



جایگاه روزه در تجربه ادیان

برای آنها که به دنبال پیشینه امور، بویژه مسائل دینی هستند، پرسش‌هایی درباره سابقه روزه در میان مردم جزیره العرب و حتی در سطح وسیع‌تر، در میان انسان‌های گذشته وجود دارد. این پرسش‌ها را از حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی ایازی، قرآن پژوه معاصر، پرسیدیم.

گفت‌وگو با سیدمحمدعلی ایازی

جایگاه روزه در تجربه ادیان

برای آنها که به دنبال پیشینه امور، بویژه مسائل دینی هستند، پرسش‌هایی درباره سابقه روزه در میان مردم جزیره العرب و حتی در سطح وسیع‌تر، در میان انسان‌های گذشته وجود دارد. این پرسش‌ها را از حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی ایازی، قرآن پژوه معاصر، پرسیدیم.

این استاد حوزه و دانشگاه ملاک صحبت هایش را قرآن و احادیث قرار می دهد و گمان ها و فرضیه ها را کنار می گذارد. شنیدن از چگونگی دور شدن روزه مسلمانان از افراط و تفریط های قبلی، سیر تکاملی مسلمانان نسبت به امت های گذشته از جهت روزه داری و... آن هم با ملاک قرآنی بصیرت بخش است. نیاز به آموزش ادب دینی و روزه داری نیز از دیگر مباحث مطرح در این گفت وگو است. وی، رعایت بعد اجتماعی و ادب اجتماعی روزه داری را کاری غیرپلیسی می داند که باید به صورت عمومی و از میان مردم شکل بگیرد.

منابعی دیده ام که سابقه رمضان و روزه به زمان حضرت آدم می رسد. این صحبت از چه جهت درست یا نادرست است؟

در قرآن کریم اطلاعاتی که بخواهد سابقه زمانی خاصی را برای ماه رمضان بیان کند در اختیار نداریم. ولی باید روی دو نکته تکیه کنیم. یکی آن که اصل رمضان در میان اعراب و منطقه جزیره العرب، معنای شناخته شده ای داشته است که در تقسیم بندی ماه ها، در رمضان روزه می گرفته اند. دیگری اصل روزه گرفتن بوده که بروشنی درباره آن در سوره بقره، آیه 183 آمده است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ. یعنی همان طور که برای شما دستور روزه گرفتن وجود دارد، برای ادیان گذشته هم این دستور وجود داشته است.

به طور کل دست کم در قرآن کریم هیچ دلیل مستندی مبنی بر این که روزه گرفتن به شکل خاصی که بر مسلمانان واجب شده، بر کسانی مثل حضرت آدم واجب نشده، وجود ندارد. قبل از نزول آیه 187 روزه یک شکل موسعی داشت که شام تا شام را در بر می گرفت، ولی از این آیه استفاده می شود که آن به صورتی که امکان پذیر و آسان تر است، تشریع شد.

از آنجا که در مسیحیت، یهودیت و اسلام روزه گرفتن وجود دارد و از طرف دیگر، آیین ها و مکاتب غیرآسمانی هم روزه گرفتن را به شکل مخصوص خود دارند، به نظر شما اصل کاری به نام امساک که در مجموع به آن روزه می گویند چه تاثیری در باطن انسان ها دارد که چنین گرایشی به آن پیدا شده است؟

نکته ای که در تمام ادیان و مکاتب می توانیم روی آن تکیه کنیم، خودسازی و آراستن خود به فضائل و ارزش های متعالی اخلاقی است و دست یافتن به چنین چیزی نیاز به تمرین، تکرار و عمل دارد. همان طور که وقتی کسی می خواهد در یکی از رشته های ورزشی مثل وزنه برداری، دویدن، فوتبال و... مهارت پیدا کند، نیاز به تمرین کردن دارد، در آراستگی به ارزش های اخلاقی هم لازم است که انسان خود را در موقعیت های خاص قرار دهد و از قدرت و توانایی خودش استفاده کند. روزه چنین عملکردی دارد. تقویت اراده یکی از بخش های مهم زندگی ماست. مثلاً اگر کسی بخواهد تمرین کند، شب کم بخوابد یا از استراحتش بگذرد و به جای آن درس بخواند، نیازمند تقویت اراده است. در مسائل معنوی چون مساله شکم و خوردن اهمیت زیادی دارد و غلبه بر خواسته های آن نیازمند اراده بالایی است، روزه فرد را در این کار یاری می کند.

روزه، تمرینی است که انسان بتواند از خواسته ها و تمایلات جنسی دست بکشد. همین تمرین موجب می شود بتواند آنجا که مال حرام است، نخورد و آنجا که باید در برابر حق ایستادگی کند، آمادگی لازم داشته باشد.

ولی کلمه روزه بار معنایی دینی و آسمانی دارد که گویی مکاتب دیگر به نوعی این کلمه و معنای آن را تا حدی دزدیده اند و از مواهب

امری دینی برای دینی غیر آسمانی استفاده کرده اند. به نظر شما این اشکالی ندارد؟

این مساله در شریعت مطرح می شود. شریعت راه آبرفتی است که به آن نهر بزرگ می رسد. شاید در رودخانه ها راه هایی را دیده باشید که به دریا متصل می شود. به دستورات دینی در تمام ادیان در اصطلاح شریعت می گویند. در سوره مائده آمده است: لِكَلِّ جَعَلْنَا مِثْقَلَهُ شَرِّعَةً وَ مِثْهَاجًا. برای روشن شدن مطلب به دور از بحث برتری، به مثال ورزش باز می گردم. آموزش ها و روش های مربیان و کشورهای مختلف برای افزایش مهارت ورزشکاران خود متفاوت است. در ادیان هم همین اتفاق رخ می دهد. هر دین و مکتبی روشی متفاوت برای تربیت و آراستگی به فضائل اخلاقی دارد. وقتی بودایی ها، کنفوسیوسی ها، یهودی ها، مسیحی ها و مسلمان ها به روشی که به آنها تعلیم داده شده عمل می کنند، یعنی هر کس به اندازه وسعش در راه رسیدن به فضائل اخلاقی تلاش می کند و خود را پایبند به قوانین می داند.

ولی با وجود این مسائل، اسلام دین برتری است که از سوی آخرین پیامبر برای تمام انسان ها برگزیده شده است. و اینها راه نیستند و فقط یک شبه راه هستند.

در آیه 62 بقره آمده است که: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. ما در هر صورت با پدیده ادیان مواجه هستیم. باید ببینیم نگاه قرآن به این مساله چیست؟ در این آیه نشان می دهد که ایمان به خدا و روز جزا و انجام عمل صالح اهمیت دارد. عمل صالح چیست؟ روزه گرفتن، انفاق کردن، خدمت کردن و... کسی که پایبند به دستورات دین خودش است و دروغ نمی گوید و اخلاق نیکو دارد و ظلم نمی کند، به مرتبه لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ می رسد.

چرا روزه ای که در اسلام واجب شده، برتر است؟

اگر کاروان بشریت و حرکت انبیا را در یک مسیر طولانی بررسی کنیم، بحث تجربه دینی و سیر تحولی و تکاملی آن مطرح می شود. یکی از وجوه برتر دانسته شدن اسلام این است که اسلام در آخرین منزل این سیر قرار گرفته و از همه تجربه های وحیانی گذشته استفاده کرده و به این مرحله نهایی رسیده است. بشریت تمام مسیرهای قبلی را طی کرده و در اسلام بدون افراط و تفریط در امساک ها و روزه ها به یک حداقل 30 روزه برای روزه گرفتن رسیده است. به این تجربه و دستور از آن جهت که برای خاتم پیامبران و تجربه نهایی پیامبران هست، می توانیم تکیه کنیم.

در حدیثی از امام صادق (ع) خواندم که: «#خداوند (در گذشته) روزه ماه رمضان را بر پیامبران واجب گردانید نه بر امت ها، پس این امت را به ماه رمضان «#بر امت های گذشته» برتری داد.» شما چه برداشتی از این حدیث دارید؟

این نشان دهنده آن است که خدا ما را بیشتر دوست داشت تا خودمان را پالایش کنیم و دست به خودسازی بزنیم و با الزامی که می کند خودمان را در بستری از تحولات و دگرگونی قرار بدهیم. هر الزامی به معنای مشقت نیست، بلکه به این معناست که برای ما آن عمل ضروری است.

منظور از دوری اسلام از افراط و تفریط درباره روزه گرفتن نسبت به ادیان پیشین چیست؟

در ادیان گذشته بویژه در مسیحیت روزه هایشان شام تا شام بوده است. یعنی از هنگام افطار تا 24 ساعت بعد امساک می کردند. ظاهراً این نوع روزه گرفتن طبق مطالعات من از دین ابراهیم رایج بوده است؛ زیرا در جزیره العرب، حنفا به این شکل روزه می گرفتند.

جناب عبدالمطلب قبل از بعثت قوانینی داشتند که بعضی از آنها به احکام اسلامی هم رسید. آیا ایشان برای روزه گرفتن و رمضان قوانین خاصی را در نظر داشتند؟

چیزی درباره روزه گرفتن به طور خاص از سوی ایشان ندیده ام، ولی در کل رایج بودن روزه گرفتن پیش از بعثت پیامبر اسلام وجود داشته است. آقای صبحی منصور در تحقیقی نشان داده اند که روزه گرفتن قبل از اسلام هم متداول بوده است.

آیا پیامبر اسلام قبل از بعثت روزه می گرفتند؟

بله، ظاهراً ایشان در ایام تحنث و دوره های اعتکاف روزه می گرفتند. اگر ما این نظریه را بپذیریم که روزه گرفتن در قبل از اسلام هم متداول بوده، پس ایشان هم خودشان در رمضان روزه می گرفتند.

کلمه صوم و رمضان به لحاظ لغوی به چه معناست؟

در میان مسلمان ها تشریع رسمی که از ابتدا آغاز شده، در مدینه بوده و در اعراب قبل از اسلام هم روزه یک فرهنگ بوده است، درست مانند طواف که با آیین ها و قواعد خاص خودشان اجرا می کرده اند. البته تاکید می کنم که این فرهنگ از حضرت ابراهیم رسیده است.

رمضان که از رمض است، به معنای گرمای شدید است. و چون با روزه گرفتن و امساک کردن در رمضان نوعی احساس گرمای شدید می کرده اند، به آن رمضان می گفته اند. صوم نیز به معنای امساک کردن است. صائم نیز کسی است که از خوردن خود را باز داشته و فطر هم معنای خلاف صوم یعنی باز کردن را دارد. البته در زبان عرفی اسبان بدون علوفه و قرقره های بازمانده از چرخیدن و حرکت را نیز صائم می گفته اند.

آیا برای رضانی که در پیش رو داریم، نکته ای هست که نیاز به اصلاح داشته باشد؟

یک بعد که در دستورات و تعالیم اسلامی هست، نقش حرکت جمعی روزه است. درست است که روزه را فردی می گیریم، ولی در اصل در یک جمع همه در حال امساک هستند. مثلاً گرچه ممکن است هر فردی صبح به صبح در خانه اش ورزش کند، ولی وقتی همه جمعی صبح ها در پارک ورزش می کنند، اثرات آن نیز روحی و جمعی می شود. حال حتی اگر کسی عذری برای روزه گرفتن دارد، نباید تظاهر به روزه خواری کند. البته نباید این را تفسیر پلیسی کنیم که فرد را بگیریم و ببریم و...، من می خواهم از یک ادب جمعی صحبت کنم. همان طور که وقتی در یک مجلس عزا هستیم، نمی خندیم، باید ادب جمعی عدم تظاهر به روزه خواری را نیز بیاموزیم و فرهنگسازی کنیم. کارهای پلیسی موجب می شود که حتی جوان ها نیز سرانجام به لجبازی رو بیاورند. ادب روزه گرفتن این است که کسی که با عذر یا بدون عذر روزه نمی گیرد، تظاهر به روزه خواری نکند و با موج و حرکتی که همه خودشان را پایبند به این امساک می دانند، اگر مشارکت نمی کند، مخالفت هم نکند. پس خود مردم باید بخواهند دیگران این ادب را رعایت کنند و فرهنگسازی شود.

حورا نژادصداقت / جام جم